

دوفصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: 86227 Article Number: YQ27544 ISSN-P: 2717-1132

بررسی ماهیت حقوقی معامله اکراهی با معامله اضطراری

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۵/۱۲)

مهدی ابراهیمزاده

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

چکیده

برای این که حقی در روابط اجتماعی بوجود آید، قانون بایستی حادثه‌ای را که سبب آن قرار می‌گیرد؛ معین کند، حوادثی را که قانونگذار برای تعیین شرایط ایجاد و تغییر و از بین رفتن حق در نظر گرفته است « وقایع حقوقی » می‌نامند. هر پدیده‌ی اجتماعی که اثر حقوقی داشته باشد در شمار وقایع حقوقی است. معاملاتی که بین متعاقدين صورت می‌گیرد باعث بوجود آمدن حقی برای طرفین معامله می‌شود، در صورتی که بین طرفین رضایت کامل باشد. لذا معاملاتی، صحیح و کامل است که در آن رضایت و اراده طرفین استوار باشد. در مقاله حاضر محقق به دنبال ماهیت معاملاتی است که با ترساندن شخص به گونه‌ای که برخلاف میل خویش، رضای به معامله دهد؛ (اکراه) و یا با فشارهایی که بر اثر وضعیت اقتصادی یا اجتماعی به شخص وارد می‌شود تن به معامله می‌دهد (اضطراری). محقق با بررسی کتب و مقالات محققین پیشین به این نتیجه رسید که معاملات اکراهی غیرنافذ و در صورت عدم تنفیذ باطل است؛ ولی معاملات اضطراری صحیح است.

واژگان کلیدی: معامله اکراهی، معامله اضطراری، تهدید اراده، رضای طرفین، قصد

باطنی

مقدمه

معلول است و از این رو معامله غیرنافذ تلقی می‌شود.^۱ پس هرگاه کسی دیگری را با تهدید و زور وادار به معامله‌ای ناخواسته کند، اکراه واقع می‌شود ترس ناشی از تهدید آزادی مکره را در تصمیم گرفتن از بین می‌برد و اراده‌ی او را معلول می‌کند. پس اکراه را از دو دیدگاه می‌توان بررسی کرد: (۱) کار نامشروعی که وسیله‌ی اجبار می‌شود. (۲) ترسی که در نتیجه‌ی تهدید در ضمیر مجبور رخنه می‌کند و در اراده‌اش اثر می‌گذارد. از نظر تاریخی، تکیه بر نخستین چهره‌ی اکراه مقدم است. در رم قدیم، به دلیل تشریفاتی بودن معاملات و حضور شاهدان در این مراسم، ضرورتی برای جلوگیری از اکراه احساس نمی‌شد. ولی در اواخر دوره‌ی جمهوری، قانون کرنلیا^۲ اکراه بر شخص و اقامتگاه را جرم شناخت. دادرسان رومی، با استفاده از روح همین قانون و به منظور حمایت از کسانی که قربانی این جرم می‌شدند، به آنان اجازه می‌دادند که: (۱) با اقامه‌ی دعوی کیفری، چهار برابر خساراتی که در نتیجه‌ی ترس

اکراه به معنی به زور به کاری واداشتن و ناخوش داشتن است؛ و یا به عبارتی از فشار مادی یا معنوی نامشروعی که به وسیله‌ی کسی بر طرف معامله وارد گردد و او را وادار به عقد قرارداد کند. اگر فشاری که به منظور انجام معامله بر معامله‌کننده وارد می‌شود جسمی باشد، اکراه را مادی گویند. مانند اکراهی که به وسیله‌ی ضرب و جرم، صورت گیرد؛ و اگر فشار معنوی باشد، بدین معنی که مستقیماً بر روح طرف معامله وارد آید، تهدید به نقل، اکراه راه، اکراه معنوی نامند. در معامله‌ای که در نتیجه‌ی اکراه واقع می‌شود، قصد وجود دارد. مانند رضا کامل و سالم نیست و به تعبیر برخی از فقها رضا وجود ندارد. هرگاه طرف معامله مکره باشد، آزادی در اخذ تصمیم را از دست می‌دهد. معامله‌کننده در مقابل دو ضرر قرار می‌گیرد: ضرر ناشی از اجرای تهدید و ضرر حاصل از انجام معامله؛ و پس از سنجش و بررسی آن‌ها کم‌ترین ضرر، یعنی ضرر حاصل از انجام معامله را انتخاب و بدین‌سان قرار داد را منعقد می‌کند. بنابراین در صورتی که معامله به اکراه واقع گردد، رضای معامله‌کننده

۱. صفایی، سیدحسین، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲.

انتشارات میزان، چاپ نوزدهم، پاییز ۱۳۹۳.

۲. Cornelia

(طیب نفس) وقوع اثر عقد (ایجاد تعهد یا نقل ملکیت) را قصد کنند نه با کراهت «لا یحل مال امری مسلم الا عن طیب نفسه». اگر اه رضای به مفاد عقد را از بین می‌برد و خواهیم دید که بعضی از فقیهان در قصد نتیجه‌ی مکره نیز تردید کرده‌اند. با وجود این، در تحلیلی که از مفهوم اکراه شده است، گذشته از ترس مکره، به تهدید شخص اکراه‌کننده نیز به عنوان یکی از ارکان، اکراه اشاره شده و معیار تمیز این مفهوم از اضطراب قرار گرفته است. این تهدید باید نامشروع باشد، به گونه‌ای که نتوان آن را «حق» انگاشت و این نشان می‌دهد که چهره‌ی ناصواب بودن عمل اکراه آمیز نیز در تحقق مفهوم آن دخالت دارد، هرچند که به معنی کنونی جرم نباشد. در قانون مدنی نیز وضع در همین مسیر است: اکراه در زمره‌ی عیوب رضا است و اثری که در اراده‌ی مکره می‌کند مبنای عدم نفوذ معامله قرار گرفته است. ولی، ترس از اضرار دیگری به تنهایی کافی نیست و وجود تهدید و نامشروع بودن آن یکی از عناصر اصلی «کره» محسوب می‌شود (مواد ۲۰۷ و ۲۰۸). منتها، باید دانست که در حقوق ما، رابطه‌ی ضمانت اجرای کیفری و مدنی اکراه از بین رفته است و ضرورتی ندارد

از تهدید متحمل شده‌اند از مجرم مطالبه کنند. ۲) به استفاده از ایراد خاص و «ترس» دعوی اجرای مفاد عقد را از بین ببرند. ۳) با اقامه‌ی دعوی ویژه‌ای ابطال عقد ناشی از اکراه را درخواست کنند. بدین ترتیب در حقوق رم، اکراه در آغاز به‌عنوان جرم شناخته شد که قربانی آن می‌توانست جبران خسارت بخواهد، ولی بعدها عیب رضا تلقی شد و عقد را قابل ابطال ساخت و همین وصف در دوران تحول باقی ماند؛ دعوی کیفری^۱ رفته‌رفته از بین رفت و دو دعوی دیگر به‌عنوان حامی سلامت اراده باقی ماند. با وجود این خواهیم دید که آثاری از جنبه‌ی کیفری دعوی اکراه برای حقوق فرانسه و سایر کشورهای وابسته در حقوق رم به میراث باقی مانده است. در حقوق اسلام، اکراه به‌عنوان عاملی که اختیار قربانی آن را از بین می‌برد و «عیب رضا» بشمار می‌آید، از آغاز به‌کار رفت. فقیهان به استناد آیه‌ای که تنها تجارت ناشی از تراضی را مباح می‌دارد و اخباری مانند حدیث «رفع» عقد ناشی از اکراه را نافذ ندانسته‌اند در فقه امامیه، یکی از شرایط درستی عقد این است که متعاقدين با رضای کامل

¹.Metus

اضطراری و از نظر ماهیت حقوقی با هم فرق دارند، یاخیر؟ لذا در این خصوص ضمن بررسی دقیق از اکراه و معاملات اکراهی و مقایسه آن با معامله اضطراری براساس کتاب و مقالات محققین پیشین به نتایج خاصی دست یافته است.

بخش اول: تعریف اکراه

الف) تعریف لغوی

مصدر باب افعال از ریشه‌ی «کره» به معنای وادار کردن کسی بدون رضای او به کاری است.

ب) در اصول:

به وادار کردن شخص به انجام کاری که از آن ناخشنود است، اکراه گویند. به نحوی که اگر بیرون از آن وضعیت قرار گیرد، هرگز مرتکب آن عمل نمی‌شود. چنانکه ملاحظه می‌شود بیان معنای لغوی و اصولی اکراه پیوستگی قابل انکاری وجود دارد.

ج) در فقه و حقوق:

به وادار کردن قهری کسی به انجام کاری که آن را ناخوش می‌دارد، اکراه گویند، به نحوی که اگر او را به حال خود واگذارند، مرتکب آن عمل نشود که از آن به فعل انسان و اراده‌ی غیر نیز تعبیر شده است. فقیهان معتقدند که در اکراه

که اعمال اکراه‌آمیز از نظر کیفری نیز عنوان ویژه‌ای داشته باشد و کافی است که اخلاق یا قانون آن را بر خلاف حق و نامشروع بداند. پس، صدور حکم برائت متهم، از دیدگاه، جزا، اگر بر مبنای جرم نبودن عمل باشد، مانع از اقامه‌ی دعوی مدنی نیست. زیرا، احتمال دارد امری نامشروع و تهدیدکننده از لحاظ کیفری «جرم» نباشد.^۱ در مورد اضطرار، چون عناصر اکراه در آن وجود ندارد پس اضطرار خارج از مدلول اکراه است.^۲ لذا اضطرار را مضموم اکراه نمی‌دانند، چون اکراه را منحصر به موردی می‌دانند که ناشی از عمل شخص می‌باشد.^۳ پس اضطرار موجب عدم نفوذ معامله نمی‌شود. بنابراین کسی که در نتیجه‌ی اضطرار اقدام به انجام معامله نماید مکره محسوب نشده و معامله‌ی او صحیح می‌باشد.^۴ محقق در این مقاله طبق ماده‌ی ۲۰۶ ق.م، به دنبال اینکه معاله اکراهی با معامله

۱. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها جلد اول، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ سیزدهم، سال ۱۳۹۵، ص/ش، ۲۵۱/۴۹۱.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فرهنگ عنصرشناسی، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، سال ۱۳۹۲، ص ۹۹.

۳. همان، دائرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، سال ۱۳۸۸، ص ۲۲۳.

۴. امامی، میرسیدحسن، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامیة، چاپ سی و چهارم، سال ۱۳۹۲، ص ۲۴۱.

کسی پیدا کردن و به او پناه بردن است. اصطلاحاً در موارد ذیل به کار رفته است: اول: در علم کلام در اثبات صانع به صورت دلیل اضطراب در ردّ مذهب نجومی افلاطون که سیارات سبعة را خالق کائنات می‌شمرد و حرکت مستدیر آنها را دلیل بر اراده‌ی آنها می‌دانست در احادیث به آنان پاسخ داده‌اند، ستاره که می‌رود (در مدارد) چرا یکباره بر نمی‌گردد و در جهت عکس، حرکت نمی‌کند؟ پس او مضطرّ در آن حرکت است و آنکه او را مضطر کرده است خداوند قهار است.

دوم: اضطراب در انعقاد عقد و قرارداد مانند کشتی آسیب‌دیده در دریا که اضطراباً قرار داد تعمیر با کشتی دیگر می‌بندد و چندین برابر قیمت عادی می‌پردازد.

سوم: اضطراب در عمل به احادیث ظنی‌الصدور. این یکی در واقع سرآغاز پیدایش دلیل انسداد در علم اصول گردید. چهارم: اضطراب به مصرف کردن مال غیر برای سدّ رمق و نجات جان. به همین رو گفته‌اند دزدی در سال فقط مانع اجراء مجازات قطع ید است. اگر مالک مال، مانع تصرف مضطر گردد و او از گرسنگی بمیرد مالک مال ضامن هلاک او است.

هم‌رضای مکره و نیز اختیار او منتفی می‌شود به این توضیح که آن عمل را با خشنودی و رغبت انجام نداده و از آن گذشته گریزی از انجام آن عمل و یا حق‌گزینش عمل دیگری را ندارد.^۱ پس در واقع اگر عملی است تهدیدآمیز از طرف کسی (خواه دو طرف عقدی باشد یا نباشد) نسبت به دیگری به منظور تحقق بخشیدن عمل حقوقی (فعل - ترک) مورد نظر اگرچه‌کننده.^۲ به عبارتی ایجاد بیم و هراس و فشار غیرعادی و غیرقابل تحمل و نامشروع در یک شخص که وی برخلاف رضای خود به انجام معامله‌ای که مورد نظر اگرچه‌کننده است تن دهد؛ به گونه‌ای که در اثر این فشار آزادی تصمیم‌گرفتن از خود سلب شود.^۳

بخش دوم: اضطراب

در لغت به معنی بیچاره شدن، بیچاره کردن. لاعلاج شدن، حاجت به چیزی یا

۱. انصاری، مسعود، طاهری، محمدعلی، دانشنامه‌ی حقوق خصوصی، جلد اول، انتشارات جنگل و جاودانه، چاپ سوم، سال ۱۳۸۸، ص ۴۲۱.

۲. ولائی عیسی، ترمینولوژی حقوق، ش ۵۶۸، ص ۷۳. فرهنگ تشریحی اصطلاحات، انتشارات نشر نی، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۸، ش ۱۱۲، ص ۱۱۰.

۳. بیات، فرهاد و بیات، شیرین، حقوق مدنی، شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ هفتم، پاییز ۱۳۹۴، ص ۱۱۶.

پنجم: در علم فتوآت (جوامرودی) اضطرار نام نوعی کشتی مخصوص اهل گیلان و شیروان و برخی آذربایجانیان است که دیلم‌وار هم خوانده شده است و فقط در امریکای جنوبی در یکی از نقاط آن سرزمین عیناً وجود دارد.^۱ طبق ماده‌ی ۲۰۶ ق. م اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام به معامله کند مکره محسوب نشده و معامله‌ی اضطراری معتبر خواهد بود. « به عبارتی معامله مضطر برخلاف مکره «مطلقاً صحیح» است. زیرا اولاً اگر معامله مضطر را صحیح ندانیم، به ضرر خود مضطر است: (چون میان دو ضرر، ضرر کمتر را انتخاب می‌کند)؛ ثانیاً اجبار مضطر در نتیجه اوضاع و احوالی است که او را مجبور به انعقاد قرارداد «معینی» نمی‌کند، بلکه مضطر برای رفع ضرر بیشتر، خود آزادانه ضرر کمتر را برمی‌گزیند و بدان رضایت می‌دهد. اصل استحکام معاملات نیز مؤید صحت معامله مضطر است.^۲ پس در اضطرار، عواملی عاقد را علی‌رغم میل آزاد (= طیب نفس) او وادار به انعقاد عقد می‌کند بدون اینکه تهدید و اکراه در بین باشد. مانند صلح

طلب به اقل در موردی که طلبکار دلیلی در دست ندارد و بدهکار هم با علم به این حال سال‌ها طفره می‌رود و بالاخره روزی پیشنهاد مصالحه به اقل از رقم واقعی طلب می‌دهد و طلبکار هم مضطر و لاعلاج تن می‌دهد زیرا اگر این کار را نکند همان مبلغ اقل هم به کلی سوخت می‌شود.^۳ سوءاستفاده از اضطرار یا ایجاد آن به منظور اجبار طرف معامله اکراه محسوب می‌شود، به ویژه در جایی که شخص به حکم قانون یا قرارداد ملزم به انجام دادن کاری است و با تهدید به خودداری از آن طرف خود را وادار به قبول تعهدی گزاف و ناروا می‌کند.^۴ و یا پزشکی که از وضعیت نامناسب بیمار سوءاستفاده کرده و درمان او را منوط به پرداخت دستمزد گزاف می‌نماید.^۵

بخش سوم: آثار اکراه

اول: اکراه در جرم‌ها: در جرم‌ها شناخت عناصر هر جرم بسیار مهم است. از جمله‌ی عناصر هر جرم، اختیار مجرم

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، ماده‌ی ۲۰۶ ق.م؛ جعفری لنگرودی، رهن و صلح، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۸، ص/ش ۳۵/۱۶۶.

۲. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، انتشارات میزان، چاپ چهل و ششم، سال ۱۳۹۴، بند ۲، ماده‌ی ۲۰۶ ق.م.

۳. بیات، همان منبع، بند ۲ ماده‌ی ۲۰۶

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ ششم، سال ۱۳۹۳، ص/ش ۱۷۱۳/۴۵۴.

۲. بیات، فرهاد و بیات، شیرین، همان منبع، بند ۱ ماده‌ی ۲۰۶.

دوم: اکراه به قتل کسی - اگر کسی را اکراه به قتل ثالثی کنند نباید به اکراه ترتیب اثر بدهد. خون کسی از خون دیگری سرخ تر نیست. پس با مباشر قتل، مانند قاتل رفتاری شود و آمر را حبس ابد می‌کنند. حنابله و مالکیه هر دو را قاتل می‌دانند و شریک در جرم قتل. حنابله برای تحقق جرم قتل، اختیار کامل را شرط نمی‌دانند. شافعی نیز آمر و مأمور را دو قاتل دانسته است. حنفیه بین خود اختلاف نظر شدید دارند.

پاره‌ای از مؤلفان بزرگ گفته‌اند: «اکراه در مورد قتل، محقق نمی‌شود ولی در مورد سایر جرم‌ها محقق می‌شود.» در فقه حنبلی و مالکی بین دو مسئله‌ی ذیل فرق نهاده‌اند:

الف) اکراه‌کننده به قتل، مقام دولتی باشد.

ب) اکراه‌کننده مقام دولتی نباشد. اولاً: اگر مکره (= مأمور به قتل) بداند که مقتول، استحقاق اعدام را ندارد و معذک اعدام به اجراء امر مقام بالاتر کند قاتل محسوب است.

ثانیاً: اگر مکره نداد، آمر قاتل است نه مأمور؛

است، پس سؤال ما دوباره زنده می‌شود و جواب را می‌طلبید. جواب را در قاعده‌ای بیان می‌کنیم: اصل در احراز عناصر جرم‌ها، اخذ به قدر متیقن است (در امور مدنی هم نباید از مرز قدر متیقن فراتر رفت) قدر متیقن، اختیار کامل است یعنی اختیاری که ناشی از اکراه نباشد.^۱ این قاعده در مورد اقرار ناشی از اکراه و شهادت ناشی از اکراه هم باید رعایت شود.^۲

عناصر اکراه عبارت‌اند از:

۱. فعل یا ترکی که قانون به قید مجازات منع کرده باشد.

۲. یکی آن فاعل یا تارک را به تهدید وادار به آن فعل یا ترک کند.

۳. تهدید به حدّ اجبار نرسد یعنی مقاومت در برابر آن، از قدرت مکره خارج باشد با توجه به احوال خصوص

مورد که احراز آن با قاضی است.^۳

^۴. جعفری لنگرودی، دائره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت، ص ۲۶۶، به نقل از مؤلف دکتر لنگرودی در کتاب الفارق، جلد یک، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، سال ۱۳۹۱، ص ۳۵۵ مسبوط در ترمینولوژی، جلد اول همان منبع، ص/ش، ۳۱۶۹/۵۷۰.

^۵. دانش‌نامه حقوقی، ج ۱، ص/ش ۳۹/۵۶۴. به نقل از لنگرودی، الفارس، همان.

^۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فرهنگ عناصرشناسی، همان منبع، ص ۱۰۲.

بخش چهارم: شروط تحقق اکراه

۱. اکراه به وسیله‌ی اعمال پیدا شود که مؤثر در هر شخص باشعوری باشد (ماده‌ی ۲۰۲ ق.م) منظور از شخص باشعور کسی است که مبتلا به ضعف اعصاب دماغی نباشد.

۲. اکراه در شخصی که مورد تهدید قرار گرفته تأثیر بنماید. بنابراین هرگاه کسی که تهدید می‌شود بداند که تهدیدکننده نمی‌تواند عملی را که به وسیله‌ی آن تهدید نموده انجام دهد، یا خود قادر است بر اینکه بدون مشقت جلوگیری از عمل او نماید و معامله را واقع نسازد مکره شناخته نمی‌شود (ماده‌ی ۲۰۵ ق.م).

۳. تهدید باید به وسیله‌ی امر غیرقانونی باشد. بنابراین هرگاه کسی به وسیله‌ی اعمالی که قانون اجازه داده دیگری را وادار به انجام معامله نماید. شخص مزبور مکره شناخته نمی‌شود.

۴. برای اینکه اکراه واقع شود لازم است عملی تهدیدی از طرف اکراه‌کننده نسبت به مکره انجام می‌شود و او را با عدم رضایت وادار به تشکیل معامله می‌کند.

۵. برای پیدایش اکراه لازم است، تهدید مذکور در اکثر افرادی که وضعیتی مشابه تهدیدشونده دارند مؤثر باشد، به طوری

منکره به قتل ثالث که اقدام به قتل کند، اگر آن ثالث مورث او باشد، محروم از ارث او نمی‌شود.

سوم: اکراه به زنا، اکراه مانع تحقق جرم است، ولی آنکه اکراه می‌کند مجرم است و باید کیفر ببیند و صداق بدهد. اگر ثالثی زوجی را اکراه وادارد که با زوجه‌ی خودش (مکره) دخول کند باید تمام صداق زوجه را بدهد. اکراه به عقد نکاح، عقد واقع نمی‌شود.

چهارم: اکراه به اتلاف مال غیر اکراه‌کننده سبب اقوی از مباشر است و ضامن خسارت مالک مال است.

پنجم: بیع مکره به علت فقدان قصد نتیجه بیع نیست، زیرا فاقد عنصر مهمی از عناصر عمومی عقود است. جز حنفیه باقی مذاهب خمس بیع مکره را باطل می‌دانند.

ششم: اکراه به ترک مجلس عقد، موجب سقوط اختیار مجلس نمی‌شود؛ عاقدین پس از رفع اکراه می‌توانند از حق اختیار استفاده کنند.

هفتم: اکراه ضامن به انعقاد عقد ضمان، آن عقد را باطل می‌کند.^۱

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، الفارق، جلد اول، همان منبع، صص ۳۵۸-۳۵۵.

عقد کند، اما باید دانست این دو حالت از نظر ماهیت و اثر حقوقی، با هم تفاوت دارد.

۱. تفاوت در ماهیت: برخی از حقوق‌دانان،^۳ تفاوت ماهوی اکراه و اضطرار را در این دانسته‌اند که اکراه تهدیدی است که از خارج به وسیله‌ی شخص به عمل می‌آید و اضطرار فشاری است که در اثر وضعیت اقتصادی یا اجتماعی به شخص وارد می‌گردد.

بعضی از فقها،^۴ درباره‌ی جدایی اکراه از اضطرار، چنین گفته‌اند که اکراه عبارت است از تحصیل کردن بر شخص عملی را که به انجام آن مایل نیست. پس اکراه سبب سلب استقلال در تصرف از مکره می‌گردد. در صورتی که اضطرار استقلال مضطر را در تصرف حقوقی او از بین نمی‌برد و مضطر به میل خود، هر چند برای دفع ضرر، اقدام به تصرف مذکور می‌کند. به علاوه، اکراه از فعل شخص ناشی می‌شود، در صورتی که اضطرار از

که اجرای تهدید مزبور، عادتاً قابل تحمل نباشد.

۶. برای اینکه اکراه واقع شود، لازم است تهدید در شخص تهدیدشونده (با لحاظ اوصاف نوعی او) نیز مؤثر باشد. بنابراین، اگر تهدید با لحاظ شرایط و وضعیتی که دارد در نوع مردم مؤثر، ولی به جهات خاص در تهدید شوند بی‌تأثیر باشد، اکراه محقق نمی‌شود.

۷. موضوع تهدید باید امر غیرمجاز و نامشروع باشد، مانند تهدید به ضرب و جرح و قتل یا تخریب ملک، در غیر این صورت اکراه محقق نخواهد شد.

۸. انحصار موضوع تهدید به جان، مال، آبروی تهدیدشونده یا خویشاوندان نزدیک او.^۱

۹. همچنین لازم نیست اکراه‌کننده و شونده طرفین یک عقد باشند (در مواردی که موضوع اکراه عقد است).^۲ ماده‌ی ۲۰۳ ق.م

بخش پنجم: تفاوت اکراه با اضطرار

از دو واژه‌ی اکراه و اضطرار ورود فشار بر شخص، فهمیده می‌شود که این فشار می‌تواند مکره و مضطر را وادار به تشکیل

۳. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی اسلامییه، ج ۱، سال ۱۳۵۱، ص ۱۹۴، به نقل از شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، انتشارات مجد، چاپ یازدهم، سال ۱۳۹۲، ص/ش، ۱۵۵/۱۸۲.

۴. شیخ مرتضی انصاری، مکاسب، کتاب البیع، بیروت، مؤسسه نعمان، ص ۳۶۸ به نقل از شهیدی، پیشین، ص/ش، ۱۵۵/۱۸۴.

۱. شهیدی، مهدی، همان منبع، ص/ش، ۱۴۵/۱۷۵.

۲. جعفری لنگرودی، ترمینولوژی، همان منبع، ص/ش، ۵۶۸/۷۴.

مزبور یک عمل اضطراری محسوب می‌گردد، نه اکراهی. همچنین اگر فشار و تهدید به وسیله شخص به هدفی غیر از وادار کردن دیگری به تشکیل معامله به او وارد گردد، ولی او برای پرهیز از تهدید، ناگزیر از تشکیل معامله شود، مانند اینکه شخصی با تهدید از دیگری مطالبه وجه کند و تهدید شونده، برای اجابت درخواست تهدیدکننده، اتومبیل خود را بفروشد، این معامله نیز اضطراری است، نه اکراهی، زیرا هدف مستقیم تهدیدکننده در تهدید فروش اتومبیل تهدیدشونده نمی‌باشد، بلکه گرفتن مقداری پول است که برای تهدیدکننده تفاوت نمی‌کند از راه فروش اتومبیل یا وسیله‌ی دیگری فراهم گردد. تعریفی که در بالا از اکراه و اضطرار به عمل آمده، از ظهور مقررات مربوط، مانند مقررات مواد ۱۹۹، ۲۰۲ و ۲۵۹ ق.م. استنباط می‌شود. زیرا ظاهراً از مقررات مذکور این است که اکراه با تهدید شخص واقع می‌گردد و انجام عمل اکراهی هدف مستقیم تهدید می‌باشد. حکم اصل در موارد تردید - در موارد تردید در وقوع اکراه، به حکم اصل باید حکم به عدم آن داد، زیرا اکراه از موانع اعتبار و نفوذ عقد است و در صورت تردید در وجود مانع،

وقایع دیگری جز فعل شخص مانند بیماری، گرسنگی و تشنگی نتیجه می‌گردد. هیچ‌یک از تعاریف مذکور در بالا نمی‌تواند ماهیت اکراه و اضطرار را از یکدیگر متمایز سازد. زیرا از یک طرف، اضطرار منحصراً، از وضعیت اقتصادی یا اجتماعی شخص مضطر ناشی نمی‌شود و ممکن است منشأ آن وضعیت جسمانی یا امر دیگری باشد؛ از طرف دیگر، صرف وقوع تهدید از خارج به وسیله شخصی باعث تحقق اکراه نمی‌گردد. از نظر دکتر شهیدی، در تفاوت بین اکراه و اضطرار باید عامل شخص و نیز توجه مستقیم یا غیرمستقیم تهدید نسبت به عمل را در نظر گرفت و اکراه و اضطرار را باید چنین تعریف کرد: اکراه فشاری است که شخص به هدف وادار کردن دیگری به انجام عمل مثلاً انشای قرارداد به او وارد می‌سازد و اضطرار فشاری است که دارای این وضعیت نباشد. مثلاً هرگاه شخص تحت تأثیر فشار بیماری یا بیکاری خود یا یکی از خویشاوندان نزدیک خود به منظور فراهم کردن هزینه درمان یا سرمایه کار ملک خود را بفروشد، این فشار به وسیله‌ی شخصی وارد نشده است. بلکه برخاسته از وضعیت خاص فروشنده یا فرزندان او است؛ به این جهت فروش ملک

شخص مضطر در عالم اعتبار وجود ندارد و به این جهت، عقد ناشی از اضطرار از زمان انشاء یک عقد نافذ و دارای آثار قانونی است.^۱

بخش ششم: قلمرو اکراه

با توجه به اینکه قواعد اکراه در باب عقود و معاملات آمده است، بی‌گمان در ایقاع نیز مؤثر است؛ زیرا مبنای عدم نفوذ عقد عیب رضای مکره و نامشروع بدون اجبار اشخاص به کاری است که رغبت انجام دادن آن را ندارند، و این هر دو در ایقاع نیز دیده می‌شود و ساختمان ویژه‌ی عمل حقوقی در این زمینه سهمی ندارد. ماده‌ی ۱۱۳۶ ق.م. در یکی از بارزترین و مهم‌ترین مصداق‌های ایقاع اعلام می‌کند که: «طلاق‌دهنده باید... قاصد و مختار باشد» و به نظر می‌رسد که این حکم قاعده‌ی حاکم بر همه‌ی ایقاعات باشد. بنابراین، اگر طلبکاری در نتیجه‌ی اکراه مدیون او را ابرا کند، عمل او نافذ نیست. مطابق ماده‌ی ۱۱۲۳ ق.م. عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود:

برخلاف تردید در وجود شرط، وجود مانع را باید منتفی تلقی کرد.

۲. تفاوت در اثر: حرمت مالکیت و استقلال انسان اجازه نمی‌دهد که معامله شخص مکره معتبر باشد و آثار قرارداد اکراهی، ناخواسته بر او تحمیل گردد. بدین جهت، قانون معامله اکراهی را غیرنافذ و فاقد اثر علیه مکره اعلام کرده است، اما این وضعیت سبب نمی‌شود که معامله‌ی مزبور کان لم یکن و باطل تلقی گردد، طرف قرارداد شخص مکره که با آزادی، تشکیل عقد را اراده کرده و جریان آثار آن را پذیرفته و خود را نسبت به آن ملزم کرده است، ملزم به رعایت انشای خویش، در صورت تنفیذ عقد و اعلام رضایت بعدی مکره نسبت به آن خواهد بود. بنابراین، طرف دیگر قرارداد منتظر اعلام تصمیم مکره نسبت به قرارداد مزبور باشد که با تنفیذ او معامله کامل می‌شود و با رد او معامله غیرنافذ مزبور باطل خواهد گردید. اما در معامله اضطراری با وجود فشاری که شخص مضطر را نسبت به تشکیل معامله برمی‌انگیزد، چون فشار مزبور آزادی او را در اتخاذ تصمیم سلب نمی‌کند و او با رضای کامل وقوع عقد را اراده و آثار آن را طلب می‌کند. مانعی برای تحقق مقصود

۱. شهیدی، مهدی، همان منبع، ص/ش، ۱۵۴/۱۸۲، کاتوزیان، دکتر ناصر، ق.ع.ق، جلد اول، همان منبع، ص/ش، ۲۵۵، ۴۹۸

نیست و از دیرباز این‌گونه قراردادها از فاتحان بر مغلوبان تحمیل شده است. همچنین اگر دولتی در نتیجه‌ی هراس از تهدید مردم به شورش یا اعتصاب کارگران ناگزیر به تصویب مقرراتی شود، در اعتبار آنها تردید نباید کرد.^۲

نتیجه‌گیری

۱. طبق ماده‌ی ۲۰۶ ق. م اضطرار حالتی است که در آن تهدید وجود ندارد، ولی اوضاع و احوال برای انجام دادن یک عمل به گونه‌ای است که نشان آن کار را با وجود عدم رضایت، علی‌رغم میل باطنی خود، ولی از روی قصد و رضای خاصی انجام می‌دهد، اما طبق ماده‌ی ۲۰۲ ق. م. اکراه حالتی است که در آن تهدید وجود دارد.

۲. معامله اکراهی غیر نافذ و در صورت عدم تنفیذ باطل است ولی معامله اضطراری صحیح است.

۳. اکراه تهدیدی است که از خارج به وسیله‌ی شخص به عمل می‌آید و اضطرار فشاری است که در اثر وضعیت اقتصادی یا اجتماعی به شخص وارد می‌گردد.

۴. در اکراه تحمیل کردن شخصی به عملی که به انجام آن مایل نیست یعنی

۱. قرن، ۲. جذام، ۳. برص، ۴. افضاء، ۵. زمین‌گیری، ۶. نابینایی از هر دو چشم. این عیوب در صورتی برای مرد حق فسخ ایجاد می‌کند که هنگام عقد موجود باشد و مرد بدون توجه به آنها با زن ازدواج کرده باشد. (مواد ۱۱۲۴ و ۱۱۲۶ ق. م)

حق فسخ برای جلوگیری از ضرر مرد است، پس اگر به وسیله‌ی عمل جراحی یا به وسایل درمانی دیگر این عیوب از بین برود، حق فسخ نیز مبنای حقوقی خود را از دست می‌دهد و ساقط می‌شود. برای مثال، اگر زنی هنگام نکاح نابینا یا زمین‌گیر باشد و پیش از آنکه مرد نکاح را فسخ کند بهبود یابد، شوهر نمی‌تواند به استناد وجود این عیب در زمان نکاح عقد را به هم زند.^۱ پس به نظر می‌رسد که حکم ماده‌ی ۱۱۳۶ ق. م. بر همه ایقاعات حاکم است، ولی برعکس، این قواعد در حقوق عمومی با استثناهای فراوان روبه‌رو می‌شود و کمتر به کار می‌رود، زیرا ضرورت‌های مربوط به حفظ نظم عمومی مانع از توجه به رضای دولت‌ها می‌شود. به همین جهت قرارداد صلحی که در اثر اکراه به دولتی تحمیل می‌شود قابل ابطال

^۱. کاتوزیان، ناصر، خانواده، جلد اول، انتشارات گنج دانش،

چاپ دوم، سال ۱۳۹۸، ص/ش ۱۸۰/۲۵۹.

^۲. کاتوزیان، ق.ع.ق. جلد ۱ همان منبع، ص/ش، ۲۵۷/۵۰۳.

منتظر اعلام تصمیم مکره نسبت به قرارداد مزبور باشد که با تنفیذ او معامله کامل می‌شود و با رد او معامله غیرنافذ مزبور، باطل خواهد گردید. اما در معامله اضطراری با وجود فشاری که شخص مضطر را نسبت به تشکیل معامله برمی‌انگیزد، چون فشار مزبور آزادی او را در اتخاذ تصمیم سلب نمی‌کند و او با رضای کامل وقوع عقد را اراده و آثار آن را طلب می‌کند. مانعی برای تحقق مقصود شخص مضطر در عالم اعتبار وجود ندارد. لذا عقد ناشی از اضطرار از زمان انشا یک عقد نافذ و دارای آثار قانونی است.

اکراه، سبب سلب استقلال در تصرف از مکره می‌گردد. در صورتی که اضطرار استقلال مضطر را در تصرف حقوقی او از بین نمی‌برد و مضطر به میل خود معامله را انجام می‌دهد.

۵. اکراه از فعل شخص ناشی می‌شود، در صورتی که اضطرار از وقایع دیگری جز فعل شخص مانند بیماری، گرسنگی و تشنگی نتیجه می‌گردد.

۶. در اکراه عامل تهدید مستقیم به انجام عمل را در نظر گرفته می‌شود ولی در اضطرار عامل تهدید غیرمستقیم به انجام عمل در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس در حالت اول مکره فاقد استقلال است و در حالت دوم مکره دارای استقلال و از روی میل باطنی خود معامله را انجام می‌دهد.

۷. قانون معامله‌ی اکراهی را غیرنافذ و فاقد اثر علیه مکره اعلام کرده است و این بدان معنی نیست که معامله مزبور کان لم یکن و باطل تلقی گردد. زیرا مکره با آزادی تشکیل عقد را اراده کرده و جریان آثار آن را پذیرفته و خود را نسبت به آن ملزم کرده است و ملزم به رعایت انشای خویش در صورت تنفیذ عقد و اعلام رضایت بعدی مکره نسبت به آن خواهد بود. بنابراین طرف دیگر قرارداد باید

منابع و مأخذ

۱. امامی، میرسیدحسن، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامیة، چاپ سی و چهارم، ۱۳۹۲.
۲. انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، کتاب البیع، بیروت، جلد اول، مؤسسه نعمان، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۳. انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی، دانشنامه‌ی حقوق خصوصی، جلد اول، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
۴. بیات، فرهاد و بیات، شیرین، حقوق مدنی شرح جامع قانون مدنی، انتشارات ارشد، چاپ هفتم، پاییز ۱۳۹۴.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، الفارق، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۹۲.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دائره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دانشنامه‌ی حقوق، جلد اول، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۱.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، رهن و صلح، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۹۳.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فرهنگ عناصرشناسی، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۱۳. شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ یازدهم، ۱۳۹۴.

۱۴. صفایی، سیدحسین، قواعد عمومی قراردادها، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ نوزدهم، پاییز ۱۳۹۳.
۱۵. کاتوزیان، ناصر، خانواده، جلد یک، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، سال ۱۳۹۸.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات نشر میزان، چاپ چهل و ششم، ۱۳۹۴.
۱۷. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۵.
۱۸. ولائی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات، انتشارات نشرنی، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۸.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی